



فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Journal of Jurisprudence and Modern Law

Home Page: www.jaml.ir



مرکز اطلاعات علمی جهان و منطقه
Scientific Information Database



Academia.edu
share research



سال انتشار	۱۴۰۵	شماره انتشار	دوره انتشار	صفحات	۱-۱۷
------------	------	--------------	-------------	-------	------

نقش سکوت شارع در استنباط احکام شرعی از منظر اهل سنت و امامیه

آقای عبدالرحیم رحیمی، آقای دکتر ناصر نیکخوا امیری و آقای دکتر ایجاد حسین مجتبی

دانشجوی دکترای فقه و اصول جامعه المصطفی العالمیه-گران.

استادیار جامعه المصطفی العالمیه - نمایندگی گلستان، ایران،

استادیار جامعه المصطفی العالمیه - نمایندگی گلستان، ایران،

چکیده

بحث سکوت شارع از مباحث بنیادین اصول فقه اسلامی است که ارتباط مستقیمی با منابع استنباط احکام دارد. پرسش اصلی این است که آیا شارع در برخی موضوعات سکوت کرده و اگر چنین است، این سکوت چه دلالتی بر احکام شرعی دارد؟ این پژوهش با روش تحلیلی-توصیفی و رویکرد تطبیقی، به بررسی مفهوم، اقسام، مبانی و آثار سکوت شارع از منظر دو مکتب فقهی اهل سنت و امامیه پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که سه نظریه عمده در این زمینه مطرح است: نظریه شمولیت (حداکثری)، نظریه عدم شمولیت (با دو شاخه جزئی‌گرایی و کلی‌گرایی) و نظریه اعتدال که پذیرش «منطقه الفراغ» و نقش عقل و سیره عقلایی در تکمیل قوانین شرعی را به رسمیت می‌شناسد. نظریه اعتدال به دلیل سازگاری با اصول و مقاصد شریعت و پاسخگویی به نیازهای متغیر بشری، به عنوان دیدگاه منتخب معرفی شده است. مقاله با ارائه نمونه‌های تطبیقی از ابواب عبادات و معاملات، کاربرست عملی سکوت شارع در استنباط احکام را به تصویر می‌کشد.

واژگان کلیدی: سکوت شارع، قانون‌گذاری، منطقه الفراغ، استنباط احکام، اهل سنت، امامیه.

طبقه‌بندی: JEL: فقه - حقوق - جزا و جرم‌شناسی - حقوق بین‌الملل - حقوق خصوصی



The Role of the Lawgiver's Silence in the Inference of Islamic Legal Rulings from the Perspective of Sunni and Imami Schools

Abstract

The discussion of the Lawgiver's silence is one of the fundamental topics in the principles of Islamic jurisprudence, bearing a direct connection to the sources of legal inference. The central question is whether the Lawgiver has remained silent on certain matters, and if so, what implications this silence holds for Islamic legal rulings. This study, employing an analytical-descriptive method and a comparative approach, examines the concept, categories, foundations, and effects of the Lawgiver's silence from the perspectives of the two jurisprudential schools of Sunni and Imami thought. The findings reveal three major theories in this regard: the theory of comprehensiveness (maximalism), the theory of non-comprehensiveness (with its two branches of particularism and universalism), and the theory of moderation, which acknowledges the "discretionary zone" (minṭaqat al-farāgh) and the role of reason and rational conduct in complementing religious laws. The theory of moderation is presented as the preferred view due to its compatibility with the principles and objectives of Sharia and its responsiveness to changing human needs. By providing comparative examples from the realms of worship and transactions, the article illustrates the practical application of the Lawgiver's silence in the inference of legal rulings.

Keywords: Lawgiver's Silence, Legislation, Discretionary Zone (Minṭaqat al-Farāgh), Inference of Rulings, Sunni, Imami.



متن مقاله

اهمیت این موضوع از آن جهت است که شناخت نظرات مختلف در مورد سکوت قانون‌گذار، بخش عظیمی از حقوق اسلام را برای ما روشن می‌سازد و تا کسی آن نظرات و مبانی آن‌ها را نشناسد، نمی‌تواند از کتب فقها که هر گروهی تابع مبانی مخصوص خود هستند، استفاده کامل ببرد (رنجر و وکیل‌زاده، ۱۳۸۹: ۲).

پژوهش حاضر با روش تحلیلی-توصیفی و با رویکرد تطبیقی، به بررسی مفهوم، اقسام، مبانی و آثار سکوت شارع در استنباط احکام شرعی از منظر دو مکتب فقهی اهل سنت و امامیه می‌پردازد و در پایان، به نقد و تحلیل دیدگاه‌ها و ارائه نظریه مختار خواهد پرداخت.

۱. مفهوم، اقسام و سکوت شارع

۱-۱. مفهوم‌شناسی سکوت و دلالت

۱-۱-۱. تعریف سکوت در لغت و اصطلاح

سکوت در لغت به معنای خاموش شدن، ساکت گشتن و خاموشی است (ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۶، ص ۳۰۴). در لسان العرب، سکوت خلاف نطق معنی شده و سکوت را از اصوات الحان شبیه تنفس بین دو نغمه تعبیر نموده است. در لغت نامه دهخدا نیز سکوت به معنای خاموشی با توانایی به سخن گفتن و ترک آن کردن معنی شده است (رنجر و وکیل‌زاده، ۱۳۸۹: ۲).

در اصطلاح اصولی و فقهی، سکوت عبارت است از ترک تکلم با قدرت بر آن (البرکتی، ۲۰۰۳، ص ۱۱۴). برخی از فقهای متأخر آن را چنین تعریف کرده‌اند: «هو ترک الکلام مع القدرة علیه» (جرجانی، ۱۹۹۱، ص ۱۵۹). همچنین سکوت به عنوان «الحالة التي يلتزمها الساکت تجاه الواقعة» تعریف شده است (موسی مصطفی، ۲۰۰۵، ص ۵۰). از منظر فقهی، تعریف مختار آن است که سکوت «موقف جامد سلبی لا یدل علی إرادة إلا عند الحاجة ولا یكون إلا بالدلیل» (رمزی محمد، ۲۰۰۴، ص ۵۲).

انسان‌ها در زندگی اجتماعی خود به قانون نیازمند هستند و این موضوع مورد اتفاق تمام مکاتب بشری می‌باشد. اداره امور اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی و ... همه نیازمند قانونی فراگیر و پاسخ‌گوست. از آنجا که پیش‌بینی همه وقایع در روابط حقوقی افراد برای انسانی که همواره دارای نقص نسبی و مطلق در بعد علمی خود می‌باشد محال است، لذا مکتب‌های بشری به این امر اعتراف کرده‌اند که ممکن است قانون‌گذار نسبت به موضوعاتی و به تبع از آن قوانینی سکوت کرده باشد (رنجر و وکیل‌زاده، ۱۳۸۹: ۲).

با این حال، در نظام تشریع اسلامی، این سؤال مطرح است که آیا سکوت شارع به معنای وجود خلأ قانونی است یا خیر؟ دین اسلام با ادعای خاتمیت و پاسخگویی به تمام نیازهای بشری تا روز قیامت، این پرسش را به صورت جدی مطرح می‌سازد. از یک سو، آیات و روایات متعددی بر کمال و شمول دین تأکید دارند و از سوی دیگر، واقعیت‌های اجتماعی و نیازهای متغیر بشری، ضرورت وجود نوعی انعطاف و پویایی در نظام حقوقی اسلام را نمایان می‌سازد.

موضوع سکوت شارع از صدر اسلام در زمان رسول خدا (ص) و ائمه معصومین (ع) مطرح بوده است. در روایات متعددی، بحث سکوت شارع در قالب‌های مختلف بیان شده است. از امام علی (ع) نقل شده که خداوند متعال حدودی را معین فرموده که نباید از آن حدود تعدی و تجاوز کنید و فرائضی را مشخص نموده که نسبت به آن‌ها نباید نافرمانی کنید و در مورد چیزهایی هم سکوت کرده که سکوت او از روی فراموشی نبوده و نباید خودتان را به سختی تکلف بیندازید، بلکه آن رحمتی از طرف خداست که آن را بپذیرید (شیخ صدوق، ۱۴۰۶ق، ج ۴، ص ۷۵؛ نهج البلاغه، ۱۳۸۹ق، حکمت ۱۰۵).



با وجود علم به انجام آن توسط صحابه، سکوت کردند، فقها از این سکوت،

جواز عزل را استنباط نموده‌اند (بخاری، ج ۵، ص ۱۹۹۸).

۲-۱. اقسام سکوت

سکوت از جهات مختلف قابل تقسیم است:

۱-۲-۱. سکوت خداوند متعال

الف) امکان یا امتناع وصف خداوند به سکوت

از منظر کلامی، وصف خداوند به سکوت از مسائل عقدی بحث‌برانگیزی

است که به مسئله کلام الهی بازمی‌گردد. اشاعره با اعتقاد به کلام نفسی

قدیم، وصف خداوند به سکوت را محال می‌دانند و بر این باورند که سکوت،

ضد کلام است و خداوند متعال به صفت کلام متصف است، نه به سکوت

(تهانوی، ۱۹۹۸، ج ۴، ص ۴۱). اما سلف و اهل حدیث، با اعتقاد به کلام

لفظی و مشیئت الهی، سکوت را به خداوند نسبت داده‌اند و معتقدند که

سکوت به معنای ترک تکلم فعلی است، نه ترک صفت کلام (دفاف و

شویحه، ۲۰۲۳، ص ۱۷؛ ابن ابی العز، ۱۹۹۰، ج ۱، ص ۹۷).

مستند این گروه، روایاتی همچون حدیث ابو الدرداء است که پیامبر (ص)

فرمود: «ما أحل الله فی کتابه فهو حلال، وما حرم فهو حرام، وما سكت

عنه فهو عفو، فاقبلوا من الله عافيته، فإن الله لم يكن لينسي شيئاً، ثم تلا:

﴿وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا﴾ (سنن ابی داود، ج ۳، ص ۳۵۴؛ المستدرک علی

الصحيحين، ج ۲، ص ۴۰۶). این حدیث، سکوت را به خداوند نسبت داده و

آن را از روی فراموشی ندانسته است.

ب) صور سکوت خداوند متعال

دفاف و شویحه (۲۰۲۳، ص ۱۸) با اشاره به تقسیم‌بندی شاطبی، دو صورت

برای سکوت خداوند متعال بیان کرده‌اند:

صورت اول: سکوت به معنای عدم ورود نص قرآنی در خصوص حکم

مسئله‌ای خاص. این نوع سکوت گاه به دلیل عدم مقتضی بیان در زمان

۱-۲. تعریف دلالت در لغت و اصطلاح

«دالت» در لغت به معنای راهنمایی و ارشاد است. راغب اصفهانی

می‌گوید: «الدلالة: ما يتوصل به إلى معرفة الشيء، كدلالة الألفاظ على

المعنى، ودلالة الإشارات والرموز والكتابة والعقود، سواء كان ذلك بقصد

ممن يجعله دلالة أو لم يكن بقصد» (راغب الأصفهانی، ج ۱، ص ۱۷۱). ابن

فارس نیز دلالت را به «إبانة الشيء بأمرأة تتعلمها» معنی کرده است (ابن

فارس، ۱۹۷۹، ج ۲، ص ۲۹۱).

از منظر اصولی، دلالت عبارت است از «ما يتوصل به إلى معرفة الشيء

كاللفظ الدال على المعنى» (الآمدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۲۳). بنابراین

سکوت زمانی دارای دلالت شرعی است که بتوان از آن، اراده شارع را در

خصوص یک واقعه یا موضوع مشخص استنباط کرد. سکوت در مقام بیان،

خود بیان محسوب می‌شود و اگر شارع در جایی که نیاز به بیان وجود

دارد سکوت کند، این سکوت می‌تواند دارای دلالت باشد (رنجر و

وکیل‌زاده، ۱۳۸۹: ۴).

۱-۳. دلالت سکوت در مقام بیان

اصولاً سکوت در مقام بیان، خود بیان محسوب می‌شود. در بعضی موارد،

مقنن در صدد بیان مقررات مربوط به موضوع خاصی می‌باشد، لیکن یک

نکته را که موقعیت بیان آن نیز وجود دارد، به سکوت برگزار می‌کند، در

حالی که مطابق روال در همان موقعیت راجع به آن نکته نفیاً یا اثباتاً باید

تعیین تکلیف نماید، چنین سکوت مقنن را اصطلاحاً «سکوت در مقام

بیان» نامیده‌اند (همان، ص ۴).

دفاف و شویحه (۲۰۲۳، ص ۱۲) با اشاره به این نکته می‌نویسند که سکوت

در مقام بیان، خود یکی از اقسام دلالت است و فقها در مواردی که شارع

در مقام بیان بوده و سکوت کرده، از این سکوت برای اثبات حکم جواز یا

حرمت استفاده کرده‌اند. به عنوان نمونه، در حدیث عزل که پیامبر (ص)



ص ۲۰۴)

۲. مسلمان و منقاد به شرع بودن فاعل. به این معنا که اگر فاعل کافر یا منافق معروف النفاق باشد، سکوت پیامبر (ص) بر فعل او، به معنای امضا و تأیید نیست؛ مانند سکوت بر افعال عبدالله بن ابی که به دلیل قرائن، نشان‌دهنده عدم رضایت بود (همان، ج ۴، ص ۲۰۴).

۳. عدم وجود قرائن بر انکار قبل یا بعد از فعل. به این معنا که اگر پیامبر (ص) قبل از فعل، آن را انکار کرده یا بعد از فعل، قرائنی بر عدم رضایت وجود داشته باشد، سکوت به معنای امضا نخواهد بود (نعمان جغیم، ۲۰۱۴، ص ۱۷۶).

۴. عدم ترتب مفسده بزرگتر بر انکار. به این معنا که اگر انکار فعلی، منجر به مفسده بزرگتری شود، سکوت جایز است. این شرط در مورد غیر پیامبر (ص) مورد اتفاق است، اما در مورد خود پیامبر (ص) اختلافی است که برخی از معتزله به آن معتقدند و اشاعره آن را منع کرده‌اند (زرکشی، ۲۰۰۰، ج ۴، ص ۲۰۴؛ دفاف و شویحه، ۲۰۲۳، ص ۲۲).

ب) سکوت انتظاری

سکوت انتظاری به این معناست که پیامبر (ص) در برابر سؤالی یا واقعه‌ای سکوت می‌کرد تا وحی الهی در خصوص آن نازل شود. نمونه بارز آن، قضیه زن سعد بن ربیع و دو دخترش است که در ارث، عموی آنان می‌خواست تمام ارث را ببرد. پیامبر (ص) تا نزول آیه میراث سکوت کرد و پس از نزول آیه، حکم را بیان فرمود (دفاف و شویحه، ۲۰۲۳، ص ۲۳).

ج) سکوت تعبدی

سکوت تعبدی به این معناست که در عبادات، هرگونه افزایش یا کاهش بر آنچه شارع تعیین کرده، جایز نیست و سکوت شارع در این حوزه، به معنای توقف و عدم جواز ابتکار است. این اصل مبتنی بر قاعده «التعبد فی العبادات» است و در هر دو مکتب فقهی پذیرفته شده است (نعمان

تشریع است، مانند حوادث پس از رسول خدا (ص) که از مصادیق آن جمع قرآن در یک مصحف و مسائل نوظهور است. گاه نیز با وجود مقتضی بیان، شارع سکوت کرده است، مانند سکوت از وجوب زکات بر برخی محصولات کشاورزی (الشاطبی، ۱۹۹۷، ج ۲، ص ۳۱۰-۳۱۱؛ نعمان جغیم، ۲۰۱۴، ص ۱۴۳).

صورت دوم: سکوت به معنای تقریر و امضای فعل یا ترک فعل توسط شارع. تقریر عبارت است از اینکه خداوند از نهی عملی که در زمان تشریع انجام می‌گرفته، خودداری نماید. ابن قیم می‌گوید: «وقد كان الصحابة يستدلون على إذن الرب وإباحته بإقراره وعدم إنكاره عليهم في زمن الوحي» (ابن قیم، ۱۹۹۶، ج ۱، ص ۲۱۹).

دلیل سلف و اهل حدیث بر این مدعا، حدیث جابر است که می‌گوید: «كنا نعزل القرآن ينزل ولو كان شيئاً ينهى عنه لنهانا عنه القرآن» (بخاری، ج ۵، ص ۱۹۹۸). ابن قیم این استدلال را نشانه کمال فقه صحابه و آگاهی آنان به طرق استنباط احکام می‌داند (ابن قیم، ۱۹۹۶، ج ۲، ص ۳۸۷).

۱-۲-۲. سکوت پیامبر اکرم (ص)

الف) سکوت تقریری و شروط آن

سکوت تقریری به این معناست که پیامبر (ص) در برابر فعلی که در حضور ایشان یا با علم ایشان انجام می‌شده، سکوت کرده و آن را انکار ننموده است. این نوع سکوت، به معنای امضا و تأیید آن عمل تلقی می‌شود و یکی از منابع استنباط احکام است (دفاف و شویحه، ۲۰۲۳، ص ۲۱).

شروط تقریر عبارتند از:

۱. تأکید علم پیامبر (ص) به فعل، خواه به صورت مستقیم یا غیرمستقیم. به عنوان نمونه، تقریر پیامبر (ص) بر فعل خالد بن ولید در خوردن ضب، و تقریر بر اجتهاد صحابه در روز بنی قریظه که گروهی نماز عصر را در راه خواندند و گروهی پس از رسیدن به بنی قریظه (زرکشی، ۲۰۰۰، ج ۴،



کرده، افزود یا کاست. به همین دلیل، حدیث نبوی می‌فرماید: «وشر الأمور محدثاتها وکل محدثه بدعه وکل بدعه ضلاله وکل ضلاله فی النار» (شاطبی، ۱۹۹۱، ج ۱، ص ۵۲).

۱-۳-۲. کاربریست در معاملات (اصل آزادی مبتنی بر ضوابط) معاملات، وسایل و تدابیری هستند که بشر برای تنظیم امور زندگی خود برمی‌گیرد و هدف از آن، تأمین نیازهای فردی و جمعی است. بنابراین، معاملات گسترده و متشعب بوده و با تغییر نیازها، توسعه می‌یابند. انسان به دلیل برخورداری از عقل و ابزارهای ادراک، صلاحیت تصرف، ایجاد و توسعه در معاملات را دارد و شرایع، فقط به هدایت و تقویم او می‌پردازند (نعمان جفیم، ۲۰۱۴، ص ۱۸۸).

قاعده در این حوزه این است که «الشريعة تأتي ضابطه مقننه للمعاملات»؛ یعنی نقش شریعت، ضابطه‌گذاری و تقنین است. بر همین اساس، سکوت شارع در معاملات به معنای قصد ممانعت از افزایش یا کاهش نیست، بلکه به معنای تفویض ضبط و تنظیم معاملات به مردم در چارچوب اصول کلی شرعی است. در معاملات، احکام شرعی غالباً به صورت نواهی (تحریم و کراهت) مطرح می‌شوند و بیع مستحب یا واجب (به جز در موارد ضروری) در شریعت تعریف نشده است (همان، ص ۱۸۸-۱۸۹).

این تفاوت در حوزه کاربریست، نشان می‌دهد که سکوت شارع در عبادات و معاملات دارای دو کارکرد متفاوت است: در عبادات، سکوت به معنای توقف و عدم جواز افزودن است، اما در معاملات، سکوت به معنای آزادی و جواز مبتنی بر قواعد و ضوابط کلی شرعی است. به عبارت دیگر، «الأصل فی العبادات التوقیف والأصل فی المعاملات الإباحة» (زرکشی، ۲۰۰۰، ج ۱، ص ۲۸۰).

۲. سکوت شارع از دیدگاه اهل سنت و امامیه

۱-۲. دیدگاه اهل سنت

جفیم، ۲۰۱۴، ص ۱۸۷؛ رنجر و وکیل‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۳).

پیامبر (ص) در این باره فرمود: «وشر الأمور محدثاتها وکل محدثه بدعه وکل بدعه ضلاله وکل ضلاله فی النار» (شاطبی، ۱۹۹۱، ج ۱، ص ۵۲). شاطبی در تفسیر این حدیث می‌گوید: «السکوت فی العبادات کالنص علی أن قصد الشارع أن لا یزاد فیہ ولا ینقص» (همان، ج ۲، ص ۲۶۵).

۱-۳-۲. سکوت مجتهد و مکلف

سکوت در اصطلاح فقهی گاه به سکوت مجتهد در برابر واقعهای که حکم آن را نمی‌داند، اطلاق می‌شود و گاه به سکوت مکلف در مواجهه با تکلیف شرعی (رنجر و وکیل‌زاده، ۱۳۸۹: ۴). هرچند محور اصلی بحث در این پژوهش، سکوت شارع است، ولی سکوت مجتهد و مکلف نیز در برخی مباحث اصولی مورد بررسی قرار می‌گیرد، مانند قاعده «من کان له سعة فلیسکت» که در باب اجتهاد و تقلید مطرح شده است.

۱-۳-۳. حوزه‌های کاربریست سکوت

۱-۳-۱. کاربریست در عبادات (اصل توقیف)

عبادات شعائری است که برای تعظیم خداوند و تعبد به او تشریع شده است. در عبادات، اصل بر توقیف و عدم جواز ابتکار است، چرا که خداوند بر اساس حکمت خود، عبادات معینی را برای بندگان انتخاب کرده است و هیچ کس حق ندارد برای تقرب به خداوند، چیزی از عبادات را ابداع کند (نعمان جفیم، ۲۰۱۴، ص ۱۸۷).

از این رو، سکوت شارع در عبادات، دلیل بر قصد شارع به عدم افزایش یا کاهش بر آنچه تشریع شده است، محسوب می‌شود. شاطبی در این باره می‌نویسد: «فالسکوت فی العبادات یقتضی الاقتصار علی ما ورد من التشریع» (شاطبی، ۱۹۹۷، ج ۲، ص ۳۱۱).

قاعده کلی در این حوزه این است که «الشريعة تأتي منشئة فی العبادات» و سکوت شارع در عبادات، قرینه بر آن است که نباید به آنچه شارع تعیین



بعد از وی احکامی را به رأی خویش استنباط کرده، نام سنت بر آن نهاده و مردم را از نپذیرفتن آن و مخالفت با آن منع نموده‌اند» (فضل بن شاذان، ص ۳-۴، به نقل از رنجر و وکیل‌زاده، ۱۳۸۹: ۹).

از منظر اصولی، این نظریه بر این پایه استوار است که شارع، تمام قوانین کلی و جزئی مورد نیاز بشر را تدوین و تصویب کرده و بنابراین، نیاز به نهادهای قانون‌گذاری در جوامع اسلامی منتفی است. برخی از قائلان به این نظریه با استناد به آیاتی چون ﴿مَا قَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ﴾ (انعام: ۳۸) و ﴿الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ﴾ (مائدة: ۳)، بر شمول کامل شریعت تأکید کرده‌اند (زرگری‌نژاد، ۱۳۷۷، ص ۱۹۸-۱۹۹).

۱-۲. نظریه عدم شمولیت

این نظریه در میان اهل سنت به دو شاخه تقسیم می‌شود:

الف) اندیشه جزئی‌گرا: برخی از اندیشمندان حوزه شریعت را تنها به اخلاق فردی و عبادات منحصر دانسته و معاملات و مسائل اجتماعی-سیاسی را خارج از قلمرو شریعت تلقی کرده‌اند. برخی نیز پا را فراتر نهاده و بیان اصول و قواعد کلی را از شارع انکار کرده‌اند و مدعی شده‌اند که آنچه در آیات و روایات به اصول تعبیر می‌شود، مربوط به زمان صدور این ادله است و برای زمان حاضر کاربردی ندارد (رنجر و وکیل‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۱). حائری در این باره می‌نویسد: «به نظر من همان سیستم‌هایی که مبتنی بر روایات است، نوعاً ارشادی است و مولوی نیست، ارشاد به شیوه عقل است... شارع در مسائلی مثل معاملات نقش امضایی ایفا می‌کند، نه تأسیسی» (حائری، ۱۳۷۹، ص ۱۲۶-۱۲۷).

ب) اندیشه کلی‌گرا: عده‌ای معتقدند که شارع اصول کلی و عام را بیان کرده و مسائل شکلی و فردی، خارج از حوزه شریعت است. به گفته یکی از معتقدان به این نظریه، «این که مردم برای برقراری نظام معیشتی و اقتصادی خودشان و طبق چه الگویی آن را برقرار کنند، در این جا شارع

در میان اهل سنت، موضوع سکوت شارع در چارچوب مباحث اجتهاد و منابع احکام مطرح شده است. از زمان صحابه، این پرسش وجود داشت که اگر حکمی در کتاب و سنت یافت نشود، چگونه باید خلأ قانونی را پر کرد. حدیث معاذ بن جبل که پیامبر (ص) در پاسخ به چگونگی قضاوت او در یمن فرمود: «بم تقضی بینهم یا معاذ؟ قال: بكتاب الله، قال رسول الله (ص): فان لم تجد؟ قال بسنة رسول الله، قال: فان لم تجد؟ قال: أجتهد برأی ولا آلو، فقال (ص): الحمد لله الذي وفق رسول الله لما يرضى الله» (سنن ابی داود، ج ۳، ص ۳۰۳؛ سنن الترمذی، ج ۳، ص ۶۱۶)، یکی از مستندات اهل سنت در این باب است (رنجر و وکیل‌زاده، ۱۳۸۹: ۷).

برخی از علمای اهل سنت، سکوت شارع را به معنای «عفو» و جواز تلقی کرده‌اند. سید سابق در فقه السنه از سلمان فارسی نقل کرده که گفت: «الحلال ما أحله الله فی کتابه، و الحرام ما حرمة الله فی کتابه، و ما سکت عنه فهو مما عفا عنه» (سید سابق، ج ۲، ص ۲۷۶). ابن عباس و ابی الدرداء نیز مشابه این مطلب را نقل کرده‌اند (همان، ج ۳، ص ۲۸۰-۲۸۱). در میان اهل سنت، سه رویکرد عمده در خصوص گستره شریعت و سکوت شارع قابل شناسایی است:

۱-۲. نظریه شمولیت (حضور حداکثری شارع)

برخی از فقهای اهل سنت معتقدند که شریعت تمامی نیازهای بشر را در بر دارد و هیچ خلأ قانونی در آن وجود ندارد. ابن حزم ظاهری از جمله قائلان به این نظریه است که با اجتهاد به رأی مخالف بوده و معتقد است تمام احکام در نصوص شرعی موجود است (رنجر و وکیل‌زاده، ۱۳۸۹: ۵؛ ابن حزم، ج ۱، ص ۶۶).

فضل بن شاذان در کتاب الايفاح می‌نویسد: «هل جماعت و سنت معتقدند که خداوند پیامبرش محمد (ص) را به جمیع آنچه مردم در امر دینشان بدان محتاج بودند نفرستاده است... و این یاران رسول خدا (ص) بودند که



در میان فقهای امامیه، موضوع سکوت شارع به دلیل دسترسی به ائمه معصومین (ع) تا زمان غیبت، با تفاوت‌هایی مطرح شده است. هرچند از صدر اسلام این موضوع مطرح بوده، اما شیعه به دلیل حضور ائمه (ع)، کمتر احساس خلأ قانونی می‌کرده است (رنجر و وکیل‌زاده، ۱۳۸۹: ۷).

۲-۱. نظریه اخباریان (شمولیت کامل)

اخباریان به رهبری محمد امین استرآبادی، اجتهاد و علم اصول را بدعت و اختراع اهل سنت می‌دانند که به میان علمای امامیه راه یافته است. استرآبادی در کتاب الفوائد المدنیة معتقد است که میان کلام ائمه (ع) از یک طرف و کلام خدا و رسول خدا (ص) از طرف دیگر تفاوت وجود دارد. کلام خدا و رسول احتمال ناسخ و منسوخ شدن دارند و اکثراً به صورت پوشیده و مستتر از اذهان مردم عادی ولی به اندازه عقول ائمه (ع) وارد شده‌اند که جز ائمه (ع) هیچ کس دیگر ذات سخن خدا و رسول (ص) را نمی‌فهمد. اما کلام ائمه (ع) قابل نسخ نیست و به اندازه عقول و ادراکات مردم عادی وارد شده که مردم مخاطب این کلام هستند (استرآبادی، ۱۳۲۱ق، ص ۹۰).

بر اساس این دیدگاه، همه احکام و دلالت‌های قطعی برای رسیدن به احکام، نزد معاون وحی و خزانه‌داران علم خدا محفوظ است و مردم در خصوص تحقیق و طلب آن احکام از ائمه (ع) امر شده‌اند (همان، ص ۱۲۷). اخباریان معتقدند «خالی بودن واقعه و اتفاقی از حکم الهی نزد اصحاب ما قابل تصور نیست» (استرآبادی، ۱۳۲۱ق، ص ۴۷).

نظریه شمولیت در میان امامیه تنها به اخباریان اختصاص ندارد؛ برخی از فقهای اصولی نیز بر این باورند که همه اقوال و افعال ما تحت یکی از احکام خمس مندرج است و حتی امور دولتی، سیاسی، عبادات و معاملات نیز شامل این قاعده می‌شوند (زرگری‌نژاد، ۱۳۷۷، ص ۱۴۲). شیخ صدوق نیز در کتاب کمال الدین، روایتی از عبدالعزیز بن مسلم نقل می‌کند که

مردم را به خودشان موکول نموده است... اصل مقررات و قوانین را هم خودتان بیاورید، البته چهارچوبی هم مقرر فرمود که نباید به احدی ظلم شود» (معرفت، ۱۳۷۳، ص ۶۰-۶۱). در این دیدگاه، بیشتر نصوص مربوط به سیاست، حقوق جزا و حکومت، ناظر به پرسش‌های عصر حاضر نیست و دلالت آن‌ها به احکام عصر حاضر منتفی است. بنابراین، همه این امور در «منطقه الفراغ» قرار می‌گیرد (سروش، کیان، ش ۴۶، به نقل از رنجر و وکیل‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۲).

۲-۳. نظریه اعتدال

این نظریه که مورد پذیرش بسیاری از علمای اهل سنت از جمله شاطبی و ابن تیمیه قرار گرفته است، وجود «منطقه الفراغ» را در شریعت به رسمیت می‌شناسد و در عین حال، شریعت را محدود به اخلاق و عبادات نمی‌کند. بر اساس این نظریه، شارع در غیر عبادات، نقش امضایی دارد و آنچه را که عقل و عرف به عنوان مصالح تشخیص دهند، امضا می‌کند مگر اینکه مخالف صریح شرع باشد (رنجر و وکیل‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۳).

شافعی در این باره می‌گوید: «لا سياسة إلا ما وافق الشرع». ابن قیم درباره این سخن تصریح می‌کند که اگر منظور از «موافقت»، عدم مخالفت با شرع باشد، این سخن صحیح است، اما اگر منظور وجود نص خاص و دلیل عام یا خاص از طرف شارع باشد، صحیح نیست (مجتهد شبستری، ۱۳۷۵، ص ۵۵). به عبارت دیگر، هر سیاست و تدبیر اجتماعی که مخالف صریح شرع نباشد، می‌تواند در چارچوب شریعت پذیرفته شود. ابن قیم همچنین نقل کرده است که «سیاست شرعی ضرورتاً به معنای انطباق با احکام صریح شریعت نیست؛ هر اقدامی که عملاً مردم را به منفعت نزدیک‌تر کند و از تباهی دورتر سازد، در همین سیاست شرعی شریک است» (رنجر و وکیل‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۲).

۲-۲. دیدگاه امامیه



منابع چهارگانه استنباط (کتاب، سنت، اجماع، عقل) توجه ویژه‌ای دارند. در موارد سکوت شارع، عقل می‌تواند به کشف حکم شرعی کمک کند. همان‌گونه که رنجر و وکیلزاده (۱۳۸۹: ۱۵) اشاره کرده‌اند، «سندیت عقل در اسلام در کشف شریعت مورد پذیرش غالب فقها و اصولیین قرار گرفته است. بر اساس این حداقل در حوزه غیرعبادات که مصالح و مفاسد آن توسط عقل سنجیده می‌شود، اگر عقل آن را درک نمود باید در امضای آن توسط شارع تردیدی ننماییم».

۲-۳. نظریه منطقه الفراغ (شهید صدر)

نظریه منطقه الفراغ که توسط شهید محمد باقر صدر در کتاب «اقتصادنا» و «الاسلام يقود الحياء» مطرح شده، یکی از مهم‌ترین نظریات در باب سکوت شارع در میان فقهای امامیه است. شهید صدر معتقد است که شریعت اسلامی در دو سطح تنظیم شده است: سطح اول، احکام غیرقابل تغییر و ثابت که مربوط به اصول و ارزش‌های اساسی است و سطح دوم، منطقه الفراغ که در آن، شارع سکوت کرده و قانون‌گذاری را به عهده ولی امر و نهادهای قانون‌گذاری واگذار نموده است.

شهید صدر در این باره می‌نویسد: «طبیعت متغیر و متطور دسته‌ای از وقایع و نیازهای بشر باعث می‌شود که منطقه الفراغ تشریعی وجود داشته باشد که البته آن را مهمل نگذاشته بلکه والی موظف است حکم مناسب آن را وضع کند و منطقه الفراغ، دلیلی بر اهمال در شریعت نیست، بلکه دلیل بر قدرت شریعت در مواجهه با موقعیت‌های مختلف زمان است» (الصدر، ۱۴۱۰ق، ص ۱۹).

بر اساس این نظریه، فقیه و حاکم اسلامی در منطقه الفراغ، وظیفه دارد با استفاده از اصول کلی شرعی و مقاصد شریعت، قوانین مورد نیاز جامعه را وضع کند. این قوانین می‌توانند با توجه به تغییر زمان و مکان، متغیر باشند و این، نشان‌دهنده پویایی و انعطاف نظام حقوقی اسلام است.

امام رضا (ع) فرمود: «جهل القوم و خدعوا عن آرائهم ان الله عزوجل لم يقبض نبيه (ص) حتى أكمل الدين وأنزل عليه القرآن، فيه تفصيل كل شيء بين فيه الحلال والحرام والحدود والأحكام وجميع ما يحتاج الناس إليه كمالاً، فقال عزوجل: "ما فرطنا في الكتاب من شيء"» (شیخ صدوق، ۱۴۰۵ق، ص ۷۵-۷۶).

۲-۲. نظریه مشهور فقهای امامیه (نظریه اعتدال)

مشهور فقهای امامیه، وجود «منطقه الفراغ» و خلأ قانونی در برخی موضوعات را پذیرفته‌اند، هرچند این موضوع را دلیلی بر نقصان شریعت نمی‌دانند، بلکه آن را نشانه پویایی و قدرت شریعت در مواجهه با شرایط متغیر می‌شمارند شهید محمد باقر صدر در این باره می‌نویسد: «مذهب و نظریه اقتصادی در اسلام مشتمل بر دو جانب و ناحیه است؛ جهتی از ناحیه تشریع اسلامی به صورت منجز، قطعی و غیرقابل تغییر تأمین گردیده است و جهتی که «منطقه الفراغ» نامیده می‌شود که در تشریع اسلامی قانون خاصی نداشته و آن را دولت یا ولی امر مطابق با مصالح و ظروف خاص حاکم از سویی و مطابق با اهداف عام اقتصادی اسلام از سوی دیگر، عهده‌دار گردیده است، به تشریع و قانون‌گذاری می‌پردازد» (الصدر، ۱۴۱۱ق، ص ۳۰). سید محمد موسوی بجنوردی نیز با اشاره به این نظریه می‌نویسد: «در منطقه الفراغ، ولی فقیه یا حاکم اسلامی می‌تواند بر اساس مصلحت، حکم وضع کند» (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۸۷).

بر اساس این دیدگاه، سکوت شارع به معنای تأسیس نهادهای قانون‌گذاری در چارچوب شریعت است و بخشی از قانون‌گذاری الهی محسوب می‌شود. این تفکری میانه‌رو است که جلوی افراط در دخالت شریعت در حوزه غیرعبادات را می‌گیرد و در عین حال، اصول و ارزش‌های کلی شرعی را حفظ می‌کند (رنجر و وکیلزاده، ۱۳۸۹: ۱۵).

علاوه بر نظریه منطقه الفراغ، فقهای امامیه به «عقل» به عنوان یکی از



۳. نقاط اشتراک و افتراق

۱-۳. اشتراکات

بررسی تطبیقی دیدگاه‌های اهل سنت و امامیه در باب سکوت شارع، نشان‌دهنده وجود اشتراکات متعددی است:

۱. پذیرش اصل سکوت شارع: هر دو مکتب، اصل سکوت شارع در برخی موضوعات را به رسمیت می‌شناسند، هرچند در گستره آن اختلاف دارند. همان‌گونه که رنجر و وکیل‌زاده (۱۳۸۹: ۶) اشاره کرده‌اند، موضوع سکوت شارع از صدر اسلام در زمان رسول خدا (ص) و ائمه معصومین (ع) مطرح بوده است.

۲. تقریر به عنوان یک منبع: در هر دو مکتب، تقریر معصوم (سکوت در برابر فعل یا ترک فعل) به عنوان یکی از منابع استنباط احکام پذیرفته شده است. دفاف و شویحه (۲۰۲۳: ص ۲۱) در این باره می‌نویسند که «تقریر معصوم در مقابل قول و فعل او یک نوع سکوت است... تقریر و اقرار، نوعی قانون‌گذاری و تشریع محسوب می‌شود».

۳. امضای عرف و سیره عقلایی: هر دو مکتب در حوزه معاملات، نقش تأسیسی شارع را محدود به اصول کلی دانسته و امضای عرف و سیره عقلایی را به رسمیت می‌شناسند. رنجر و وکیل‌زاده (۱۳۸۹: ۱۵) اشاره می‌کنند که «مذاق شارع مقدس چنین برمی‌آید که اصل حاکم در غیر عبادات تأیید و امضای آن‌ها و گاه تصحیح هر آن چیزی است که بین مردم به عرف تبدیل شده است مگر آن که خلاف آن با دلیل معتبر اثبات گردد».

۴. پذیرش اجتهاد: به جز اخباریان و ظاهریان، اکثر فقهای هر دو مکتب، اجتهاد را به عنوان راهکار اصلی برای استخراج احکام شرعی در مواردی که نصّ خاص وجود ندارد، به رسمیت می‌شناسند (رنجر و وکیل‌زاده، ۱۳۸۹: ۵-۶).

۵. اصل توقیف در عبادات: در هر دو مکتب، اصل توقیفی بودن عبادات پذیرفته شده و سکوت شارع در عبادات، به عنوان دلیل بر عدم جواز افزودن یا کاستن تلقی می‌گردد (نعمان جعیم، ۲۰۱۴: ص ۱۸۸).

۲-۳. افتراقات

با وجود اشتراکات فراوان، تفاوت‌های قابل توجهی نیز بین دیدگاه‌های دو مکتب وجود دارد:

۱. گستره شریعت: اخباریان و برخی فقهای اهل سنت (نظریه شمولیت) معتقد به حضور حداکثری شارع در تمامی عرصه‌های زندگی هستند، در حالی که مشهور فقهای هر دو مکتب، قلمرو شریعت را در حوزه معاملات و مسائل اجتماعی، محدود به اصول کلی و قواعد عام می‌دانند (رنجر و وکیل‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۰-۱۴).

۲. نقش عقل: در مکتب امامیه، عقل به عنوان یکی از منابع چهارگانه استنباط (کتاب، سنت، اجماع، عقل) شناخته می‌شود و در موارد سکوت شارع، می‌توان به عقل مراجعه کرد. در اهل سنت، نقش عقل در قالب قیاس، استحسان و مصالح مرسله مطرح می‌شود که از اعتبار و گستره متفاوتی در مذاهب مختلف برخوردار است (رنجر و وکیل‌زاده، ۱۳۸۹: ۶). جعفری لنگرودی (۱۳۷۲: ص ۵۲۳ و ۵۹۸) نیز به این تفاوت اشاره کرده است.

۳. نهاد قانون‌گذاری: در امامیه، پس از غیبت کبری، نهادهای قانون‌گذاری (مجلس شورا) به عنوان عهده‌دار «منطقه الفراغ» شناخته می‌شوند و وظیفه تقنین در چارچوب اصول کلی شرعی را بر عهده دارند. در اهل سنت، این نهادها بر اساس نظریه «السیاسة الشرعية» و «مصلح مرسله» فعالیت می‌کنند (رنجر و وکیل‌زاده، ۱۳۸۹: ۸).

۴. دسترسی به امام معصوم: در مکتب امامیه، تا زمان غیبت، دسترسی به ائمه معصومین (ع) وجود داشت و این امر، نیاز به اجتهاد و قانون‌گذاری



اساس این حداقل در حوزه غیر عبادات که مصالح و مفاسد آن توسط عقل سنجیده می‌شود، اگر عقل آن را درک نمود باید در امضای آن توسط شارع تردیدی ننماییم. بر این اساس عنوان «منطقه الفراغ» یا فراغ قانونی تعبیری صحیح نمی‌نماید. در نتیجه می‌توان چنین ادعا نمود که درک عقل بخشی از همان درک شرع محسوب می‌شود و موافق عقل و موافق شرع نیز به حساب می‌آید.

دوم: دلالت بر عدم جواز در عبادات (توقیف)

در عبادات، سکوت شارع به معنای عدم جواز افزودن یا کاستن است و هرگونه ابتکار در آن، بدعت محسوب می‌شود. این اصل مبتنی بر قاعده «التعبد فی العبادات» است و در هر دو مکتب فقهی پذیرفته شده است (رنجر و وکیل زاده، ۱۳۸۹: ۱۳). شاطبی در این باره می‌نویسد: «فالسکوت فی العبادات یقتضی الاقتصار علی ما ورد من التشريع من غیر زیاده ولا نقصان» (شاطبی، ۱۹۹۷، ج ۲، ص ۳۱۱)

نعمان جغیم (۲۰۱۴، ص ۱۸۷) نیز با اشاره به این مطلب می‌نویسد: «فالسکوت الشارع فی العبادات دلیل علی قصده إلی عدم الزیاده علی ما شرعه الله تعالی، أو النقصان منه، فیکون الأصل فی العبادات الاكتفاء بما شرعه الله تعالی».

سوم: دلالت بر امضا (تقریر)

سکوت شارع در برابر عملی که در زمان پیامبر (ص) انجام می‌شده، به معنای امضا و تأیید آن عمل است. این نوع دلالت که به «تقریر» معروف است، یکی از منابع استنباط احکام شمرده می‌شود. شرط اصلی تقریر، آگاهی پیامبر (ص) از آن عمل است (الزکشی، ۲۰۰۰، ج ۴، ص ۲۰۴)

دفاع و شویحه (۲۰۲۳، ص ۲۰-۲۲) نمونه‌های متعددی از تقریر در سیره نبوی ذکر کرده‌اند؛ از جمله: تقریر پیامبر (ص) بر عزل از همسران با وجود نزول قرآن، تقریر بر اجتهاد صحابه در تأخیر نماز عصر در روز بنی قریظه،

در منطقه الفراغ را کاهش می‌داد. اما در اهل سنت، به دلیل اعتقاد به امامت ائمه معصومین (ع) و جلوگیری برخی از خلفا از نقل و تدوین حدیث، موضوع خلأ قانونی با شدت بیشتری مطرح شد (رنجر و وکیل زاده، ۱۳۸۹: ۷؛ خضری بک، ۱۳۸۷، ص ۹۰ و ۹۴)

۵. تأکید بر توقیف در عبادات: در هر دو مکتب، اصل توقیفی بودن عبادات پذیرفته شده، اما در امامیه، این اصل با تأکید بیشتری مطرح می‌شود و سکوت شارع در عبادات، به عنوان دلیل قطعی بر عدم جواز افزودن یا کاستن تلقی می‌گردد (نعمان جغیم، ۲۰۱۴، ص ۱۸۸).

۴. آثار فقهی و اصولی سکوت شارع

۴-۱. تأثیر سکوت در استنباط احکام

سکوت شارع در استنباط احکام شرعی آثار متعددی دارد که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

یکم: دلالت بر اباحه (جواز)

بر اساس قاعده «الأصل فی الأشياء الإباحة»، هر چیزی که شارع درباره آن سکوت کرده، مباح و جایز است، مگر اینکه دلیل بر حرمت آن وجود داشته باشد (دفاع و شویحه، ۲۰۲۳، ص ۳۰). این قاعده مستند به آیات و روایات متعددی است؛ از جمله آیه «وَقَدْ فَصَّلَ لَكُمْ مَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ» (انعام: ۱۱۹) که دلالت دارد بر اینکه هر چه خداوند تفصیل و تحریم نکرده، مباح است.

از این قاعده، برای اثبات جواز بسیاری از معاملات و عقود جدید مانند بیمه، ثبت اسناد، حقوق مالکیت فکری، شرکت‌های سهامی و ... استفاده می‌شود. چنان که شهید صدر در نظریه منطقه الفراغ، این قلمرو را به عهده ولی امر و نهادهای قانون‌گذاری واگذار کرده است (الصدر، ۱۴۱۰ق، ص ۱۹).

رنجر و وکیل زاده (۱۳۸۹: ۱۵) نیز در تأیید این مطلب می‌نویسند: «بر



شریعت در مواجهه با موقعیت‌های مختلف زمان است» (صدر، ۱۴۱۰ق، ص ۱۹)

برخی از اندیشمندان اهل سنت نیز وجود این منطقه را تحت عنوان «منطقه العفو» دلیلی بر ساده‌انگاری تکلیف توسط شارع و صالحیت شریعت برای هر زمان و مکان دانسته‌اند (نعمتی، ۱۳۷۹، ص ۱۸۵، به نقل از رنجر و وکیل‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۴).

۲-۲-۴. نمونه‌های کاربردی در مسائل مستحدثه

۱. حقوق مالکیت فکری: با توجه به سکوت شارع در مورد حقوق معنوی و اختراعات، فقه‌های معاصر با استناد به قاعده «الناس مسلطون علی أموالهم» و «لا ضرر و لا ضرار»، این حقوق را به رسمیت شناخته‌اند. رنجر و وکیل‌زاده (۱۳۸۹: ۸) در این باره می‌نویسند که مسائل جدیدی چون ثبت علائم و اختراعات، نیازمند وضع قوانین خاصی است که با اصول کلی شرعی سازگار باشد.

۲. بیمه: با وجود اختلاف نظر در ماهیت شرعی بیمه (تجاری یا تعاونی)، اکثر فقها با استناد به قاعده «العقود تابعه للقصد» و با اصلاح ساختار بیمه به صورت تعاونی و مبتنی بر تبرع، آن را جایز دانسته‌اند.

۳. پیوند اعضا: با توجه به سکوت شارع در خصوص پیوند اعضا، فقها با رعایت مصلحت حفظ جان انسان و قاعده «ما حرم لأجله أبیح لمثله»، جواز آن را در موارد ضروری اثبات کرده‌اند.

۴. شبیه‌سازی: با وجود تردیدهای جدی، برخی فقها با استناد به اهمیت نسل و ضرورت درمان ناباروری، شبیه‌سازی درمانی را با رعایت ضوابط شرعی جایز دانسته‌اند.

۵. معاملات مالی جدید: اوراق بهادار، صکوک، قراردادهای آتی و سایر ابزارهای مالی جدید، با استناد به سکوت شارع در مورد شکل‌های خاص معاملات، و با رعایت اصول کلی مانند حرمت ربا و غرر، مورد بررسی و

و تقریر بر نوع پوشش و مسح بر خف‌ها در سفر.

چهارم: دلالت بر رفع تکلیف و تخفیف

سکوت شارع در برخی موارد، برای تخفیف و رفع تکلیف از امت است. رسول خدا (ص) فرمود: «إن الله فرض فرائض فلا تضيعوها، وحد حدودا فلا تعتدوها، وحرم أشياء فلا تنتهكوها، وسكت عن أشياء رحمة بكم غير نسيان فلا تبحثوا عنها» (دفاف و شويحه، ۲۰۲۳، ص ۱۷). این حدیث، به صراحت بر رحمت و تخفیف بودن سکوت تأکید دارد.

رنجر و وکیل‌زاده (۱۳۸۹: ۱۴) در این باره می‌نویسند: «برخی از اندیشمندان اهل سنت وجود این منطقه را تحت عنوان "منطقه العفو" دلیلی بر ساده گرفتن تکلیف توسط شارع و صالحیت شریعت برای هر زمان و مکان دانسته‌اند».

۲-۴. نقش سکوت در مسائل مستحدثه

۱-۲-۴. منطقه الفراغ و نظریه شهید صدر

عصر کنونی با پیشرفت مسائل و فرهنگ و پیدایش نیازهای جدید، با مسائل مستحدثه متعددی روبرو است؛ از قبیل صادرات و واردات، گمرک، حمل و نقل دریایی و هوایی، بیمه، ثبت اسناد و املاک، ثبت احوال و علامات و اختراعات، استخراج معادن نفت و گاز، توسعه معابر، شبیه‌سازی و... که همه موجب پیدایش رشته‌ای از قوانین خاص گردیده است (رنجر و وکیل‌زاده، ۱۳۸۹: ۸)

فقه‌های معاصر، با استفاده از نظریه سکوت شارع و «منطقه الفراغ» به دنبال راهکارهایی برای مواجهه با این مسائل جدید هستند. شهید صدر در این باره معتقد است: «طبیعت متغیر و متطور دسته‌ای از وقایع و نیازهای بشر باعث می‌شود که منطقه الفراغ تشریعی وجود داشته باشد که البته آن را مهمل نگذاشته بلکه والی موظف است حکم مناسب آن را وضع کند و منطقه الفراغ، دلیلی بر اهمال در شریعت نیست، بلکه دلیل بر قدرت



۱۳۸۹: ۵.

دوم: نقد نظریه عدم شمولیت (جزئی گرای و کلی گرای)

نظریه عدم شمولیت نیز با اشکالاتی مواجه است:

اول: انکار نقش شارع در بیان اصول کلی و قواعد عام، با روح شریعت و اهداف آن سازگاری ندارد. قرآن کریم خود را «تبییناً لکل شیء» (نحل: ۸۹) معرفی کرده و این عبارت، حداقل شامل اصول و قواعد کلی می‌شود. رنجر و وکیلزاده (۱۳۸۹: ۱۲) با اشاره به این آیه می‌نویسند که اگر شارع اصول کلی را بیان کند، ضمن اینکه دست بشر را در وصول به مصالح خویش باز می‌گذارد، قدرت تأسیس بنیان‌ها و عرف‌های جدید را نیز به او می‌دهد.

دوم: محدود کردن دین به اخلاق فردی و عبادات، با آیات فراوانی که به مسائل اقتصادی، سیاسی، حقوقی و اجتماعی پرداخته‌اند، منافات دارد. به عنوان نمونه، آیات مربوط به ارث، معاملات، حدود، قصاص، دیات و ... نشان می‌دهد که شریعت به حوزه‌های مختلف زندگی ورود کرده است. سوم: نگاه تاریخی به نصوص و انکار کاربرد آن‌ها برای زمان حاضر، نوعی نسبی‌گرایی افراطی است که با جاودانگی اسلام سازگار نیست. شریعت اسلامی برای هر زمان و مکانی صالح است و این صالحیت از طریق اصول کلی و قواعد عامی که در آن تعبیه شده، تأمین می‌گردد.

چهارم: اندیشه جزئی‌گرا که نقش شارع را صرفاً به امضای سیره عقلایی محدود می‌کند، با اصل «ولایت» و «حکومت اسلامی» که در هر دو مکتب (به ویژه در امامیه) مورد تأکید است، سازگاری کامل ندارد. شارع نه تنها امضا می‌کند، بلکه در برخی موارد تأسیس نیز می‌نماید (همان، ص ۱۱-۱۲).

سوم: تأیید نظریه اعتدال و دلایل آن

نظریه اعتدال که در هر دو مکتب فقهی (با اندکی تفاوت) مورد پذیرش

تأیید فقه‌های معاصر قرار گرفته‌اند.

۴-۲. نقد و تحلیل دیدگاه‌ها

یکم: نقد نظریه شمولیت (حداکثری)

نظریه شمولیت اگر چه بر اساس ظاهر برخی آیات و روایات شکل گرفته، اما با چالش‌های جدی روبرو است:

اول: این نظریه با ماهیت متغیر و متحول نیازهای بشری در طول زمان سازگاری ندارد. اگر شریعت بخواهد برای تمام جزئیات و مصادیق جدید، حکم خاصی داشته باشد، یا باید نصوص جدیدی نازل شود (که با خاتمیت منافات دارد) و یا نصوص موجود چنان کلی و گسترده تفسیر شوند که عملاً از دلالت روشن خود خارج گردند (رنجر و وکیلزاده، ۱۳۸۹: ۱۲).

دوم: این نظریه با عظمت مقام شریعت ناسازگار است. ورود شریعت به تمام جزئیات زندگی و تعیین حکم برای هر اقدام جزئی، موجب ایجاد شبکه‌ای بسته و محدود می‌شود که توان شریعت را برای هم‌گامی با تحولات اجتماعی زیر سؤال می‌برد (همان، ص ۱۲). شهید صدر نیز با اشاره به این نکته می‌نویسد که طبیعت متغیر نیازهای بشری، وجود منطقه الفراغ را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد (الصدر، ۱۴۱۰ق، ص ۱۹).

سوم: این نظریه، نقش عقل و عرف را در فرایند استنباط به حاشیه می‌راند، در حالی که در خود نصوص شرعی، به عقل و عرف به عنوان ابزارهای فهم و تشخیص مصالح اشاره شده است. پیامبر اکرم (ص) فرمود: «أنتم أعلم بأمر دنیاکم» (مسلم، ج ۷، ص ۹۵) که نشان‌دهنده واگذاری برخی امور به عقل و تجربه بشری است.

چهارم: اخباریان که از قائلان اصلی به این نظریه در میان امامیه هستند، با انکار اجتهاد و علم اصول، عملاً نظام استنباط احکام را دچار بحران می‌کنند. استرآبادی با ادعای عدم نیاز به اجتهاد، راه را برای پاسخگویی به مسائل جدید می‌بندد (استرآبادی، ۱۳۲۱ق، ص ۹۰؛ رنجر و وکیلزاده،



سکوت به معنای توقف است و در معاملات، سکوت به معنای جواز و آزادی

مبتنی بر ضوابط (نعمان جفیم، ۲۰۱۴، ص ۱۸۷-۱۸۹)

ششم: این نظریه با «مقاصد شریعت» نیز هماهنگ است. شارع با سکوت در برخی موضوعات، در حقیقت اهداف کلان خود مانند حفظ دین، نفس، عقل، نسل و مال را پیگیری می‌کند و اجازه می‌دهد که عقل بشری در چارچوب این اهداف، به قانون‌گذاری بپردازد (رنجر و وکیل‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۴).

۵. نتیجه‌گیری

بر اساس بررسی‌های انجام شده در این پژوهش، می‌توان نتایج زیر را به دست آورد:

یکم: سکوت شارع از منظر فقه و اصول، دارای دلالت‌های مختلفی است که مهم‌ترین آنها عبارتند از: دلالت بر اباحه (در معاملات)، دلالت بر توقیف و عدم جواز ابتکار (در عبادات)، دلالت بر امضا و تقریر (در فعل یا ترک فعل صحابه) و دلالت بر رفع تکلیف و تخفیف. نوع دلالت سکوت به حوزه موضوع (عبادات یا معاملات) و قرائن موجود بستگی دارد.

دوم: در خصوص گستره شریعت و وجود خلأ قانونی، سه نظریه در هر دو مکتب فقهی مطرح است: ۱. نظریه شمولیت که قائل به حضور حداکثری شارع و عدم وجود خلأ قانونی در شریعت است؛ ۲. نظریه عدم شمولیت که به دو شاخه جزئی‌گرایی (انحصار شریعت به عبادات و اخلاق فردی) و کلی‌گرایی (اکتفا به اصول کلی و واگذاری جزئیات به عرف) تقسیم می‌شود؛ ۳. نظریه اعتدال که با پذیرش «منطقه الفراغ»، نقش عقل و سیره عقلایی را در کنار کتاب و سنت به رسمیت می‌شناسد و سکوت شارع را نه نقصان، بلکه فرصتی برای پویایی و روزآمدی فقه می‌داند.

سوم: نظریه اعتدال به دلیل سازگاری با اصول و مقاصد شریعت، پاسخگویی به نیازهای متغیر بشری، امکان گفتگو و هماهنگی علم و دین،

مشهور فقها قرار گرفته است، به دلیل ویژگی‌های زیر، به واقعیت نزدیک‌تر است:

اول: این نظریه با ماهیت نظام حقوقی اسلام که بر اصول کلی و قواعد عام استوار است، سازگار است. شارع با بیان خطوط کلی و اهداف نهایی (مقاصد شریعت)، چارچوبی را ترسیم کرده که در آن، عقل و عرف بشری می‌توانند به مصلحت‌اندیشی و قانون‌گذاری در مسائل جزئی بپردازند (رنجر و وکیل‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۵). رحمانی (۱۳۴۷، ص ۲۴۹) نیز با اشاره به این نکته می‌نویسد: «سندیت عقل در اسلام در کشف شریعت مورد پذیرش غالب فقها و اصولیین قرار گرفته است».

دوم: این نظریه، از سکوت شارع به عنوان یک فرصت استفاده می‌کند و آن را نه نقصان، بلکه نشانه پویایی و توانمندی شریعت می‌داند. همان‌گونه که شهید صدر اشاره کرده، «منطقه الفراغ» دلیلی بر اهمال نیست، بلکه دلیل بر قدرت شریعت در مواجهه با موقعیت‌های مختلف زمان است (صدر، ۱۴۱۰ق، ص ۱۹).

سوم: نظریه اعتدال با پذیرش عقل و سیره عقلایی به عنوان منابع مستقل (در امامیه) یا به عنوان ابزارهای تشخیص مصالح (در اهل سنت)، امکان گفتگو و هماهنگی علم و دین را فراهم می‌آورد و از تعارض میان آموزه‌های دینی و دستاوردهای بشری می‌کاهد (رنجر و وکیل‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۵).

چهارم: این نظریه، راهگشای بسیاری از مسائل مستحدثه و چالش‌های قانون‌گذاری در جوامع اسلامی است. نهادهای قانون‌گذاری در نظام جمهوری اسلامی ایران، با استناد به همین نظریه و با رعایت موازین شرعی و اصول کلی، به تقنین در حوزه‌های مختلف می‌پردازند (رنجر و وکیل‌زاده، ۱۳۸۹: ۸).

پنجم: نظریه اعتدال با اصل «توقیف در عبادات» و «آزادی در معاملات» که در هر دو مکتب مورد تأکید است، سازگاری کامل دارد. در عبادات،



به ابزار عقل و استدلال دعوت کرده و عقلی‌ترین اعتقادات دینی را دارا می‌باشد، در زمینه شریعت نیز با ارائه متدهای علمی-عقلایی و توجه به عرف‌های عقلایی، سعی در پر کردن خلأهای قانونی نموده است بنابراین، سکوت قانون‌گذار نه تنها نقصی برای آن دین محسوب نمی‌شود، بلکه موجب پویایی و به‌روز شدن فقه و شریعت آن دین می‌گردد.

ششم: نهادهای قانون‌گذاری در جوامع اسلامی، موظف‌اند با بهره‌گیری از روش‌های عقلایی و منطقی و با به‌کارستن معیارهای مهم شرعی مثل رعایت مصلحت جامعه بشری، حقوق فردی، حقوق الهی و... به امر تقنین در چارچوب اصول کلی شرعی بپردازند و از ظرفیت «منطقه الفراغ» برای پاسخگویی به نیازهای متغیر زمان بهره گیرند.

و کارآمدی در مواجهه با مسائل مستحدثه، به عنوان نظریه مختار معرفی می‌شود. این نظریه در هر دو مکتب فقهی اهل سنت و امامیه (به جز اخباریان و برخی ظاهریان) مورد پذیرش مشهور فقها قرار گرفته است. چهارم: سکوت شارع و نظریه منطقه الفراغ، راهگشای بسیاری از چالش‌های قانون‌گذاری در جوامع اسلامی است. فقهای معاصر با استفاده از این ظرفیت، به حل مسائل مستحدثه در حوزه‌های مختلف از جمله حقوق مالکیت فکری، بیمه، پیوند اعضا، شبیه‌سازی، معاملات مالی جدید و ... پرداخته‌اند. «منطقه الفراغ» دلیلی بر قدرت شریعت در مواجهه با موقعیت‌های مختلف زمان است.

پنجم: با توجه به اینکه دین اسلام در اصول و اعتقادات خود، انسان‌ها را



منابع

الف) منابع فارسی

۱۳. مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. بیروت: مؤسسه الوفاء.
۱۴. محصانی، صبحی. (۱۳۵۸). فلسفه قانون گذاری در اسلام. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۵. معرفت، محمد هادی. (۱۳۷۳). فصلنامه نقد و نظر. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۱۶. موسوی بجنوردی، سید محمد. (۱۳۷۹). علم اصول. تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج.
۱۷. نعمتی، احمد. (۱۳۷۹). سکوت شارع و منطقه الفراغ. تهران: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۸. هدایتی، محمد علی. (۱۳۴۲). آئین دادرسی کیفری. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

ب) منابع عربی

۱۹. ابن ابی العز، علی بن علی. (۱۹۹۰). شرح العقیده الطحاویة. تحقیق: عبدالله بن عبد المحسن التركي. بیروت: مؤسسه الرسالة.
۲۰. ابن حزم، علی بن احمد. المحلی. بیروت: دار الفکر.
۲۱. ابن قیم الجوزیه، شمس الدین محمد. (۱۹۹۶). إعلام الموقعین عن رب العالمین. تحقیق: محمد عبد السلام ابراهیم. بیروت: دار الکتب العلمیة.
۲۲. ابن قیم الجوزیه، شمس الدین محمد. (۱۹۷۳). إعلام الموقعین عن رب العالمین. تحقیق: طه عبد الرؤوف سعد. بیروت: دار الجیل.
۲۳. ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم. (۱۴۰۸ق). لسان العرب. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۲۴. ابن تیمیه، تقی الدین. (۲۰۰۵). مجموعه الفتاوی. تحقیق: عامر الجزار. المنصورة: دار الوفاء.
۲۵. استرآبادی، محمد امین. (۱۳۲۱ق). الفوائد المدينية. تبریز:

۱. استرآبادی، محمد امین. (۱۳۲۱ق). الفوائد المدينية. تبریز: دارالنشر لأهل البيت (ع)
۲. جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۷۲). ترمینولوژی حقوق. تهران: گنج دانش.
۳. جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۸۰). مقدمه عمومی علم حقوق. تهران: گنج دانش.
۴. حائری، سید کاظم. (۱۳۷۹). اسلام و حقوق. قم: انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۵. خضری بک، ابو بکر. (۱۳۸۷). تاریخ التشريع الإسلامی. تهران: انتشارات سمت.
۶. رحمانی، محمدتقی. (۱۳۴۷). قواعد فقه. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۷. رنجر، رضا و وکیلزاده، رحیم. (۱۳۸۹). تأملی در مسأله سکوت شارع. پژوهش نامه فقه و حقوق اسلامی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان، صص ۱۶-۱.
۸. زرگری نژاد، غلامحسین. (۱۳۷۷). سیر اجتهاد در فقه امامیه. تهران: انتشارات سمت.
۹. شیخ صدوق، محمد بن علی. (۱۴۰۶ق). من لا یحضره الفقیه. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۱۰. صدر، محمد باقر. (۱۳۹۰ش). اقتصادنا. ترجمه محمد کاظم موسوی. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)
۱۱. علی دوست، ابوالقاسم. (۱۳۸۱). فقه و عرف. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۲. مجتهد شبستری، محمد. (۱۳۷۵). هرمونیک کتاب و سنت. تهران: انتشارات طرح نو.



فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Journal of Jurisprudence and Modern Law

Home Page: www.jaml.ir



مرکز اطلاعات علمی جهان و منطقه
Scientific Information Database

Sponsored and Indexed by
CIVILICA
We Respect the Science



ESJI
www.ESJIndex.org

Eurasian
Scientific
Journal
Index



Academic
Resource
Index
ResearchBib



Academia.edu
share research



- دارالنشر لأهل البيت (ع). ۲۷. ترمذی، محمد بن عیسی. (۱۴۰۳ق). سنن الترمذی. بیروت:
۲۶. البرکتی، محمد عمیم الإحسان. (۲۰۰۳). التعریفات الفقھیة. دار الفكر.
- بیروت: دار الکتب العلمیة. ۲۸. الجرجانی، علی بن محمد. (۱۹۹۱).